

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد و سپاس خدایی را که مردانی را به رسالت و پیامبری مبعوث کرد و درود و سلام بر افضل پیامبران الهی و آخرین آنها محمد ﷺ و بر وصی او و خلیفه برحق و بلافصلش امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و یازده فرزند برگزیده اش، ائمه معصومین علیهم السلام . خصوصاً آخرین آنها مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.

قال الله تعالى: ﴿ وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَ قَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سَيْرُوا فِيهَا لِيَالِي وَ أَيَّاماً آمِنِينَ ﴾^۱.

و در روایت معتبره بلکه صحیحه محمد بن صالح همدانی چنین آمده است: «کتبت إلى صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف: إنَّ أهل بيتی يؤذونني و یقرِّعونني بالحديث الذي روي عن آباءك عليهم السلام أنَّهم قالوا: قُومنا و خُدَّامنا شرار خلق الله. فكتب عليه السلام: وَ يَحْكُم! أمَّا تقرؤون ما قال الله عزَّ وجلَّ: ﴿ وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقُرَى الَّتِي

۱. سورة سبأ، آیه ۱۸.

بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً ﴿١﴾ ونحن والله القرى التي بارك الله فيها وأنتم القرى الظاهرة»^١.
همچنین شیخ صدوق سند معتبر بلکه صحیح دیگری به این روایت دارد که در ذیل
حدیث آن را نقل می‌کند.

و شیخ طوسی نیز این روایت را در کتاب الغیبة^٢ از محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری از
پدرش از محمد بن صالح همدانی فوق‌الذکر نقل می‌کند، و می‌دانیم سند شیخ طوسی به
مرویات حمیری معتبر بلکه صحیح است.^٣
بنابراین روایت فوق سه سند معتبر بلکه صحیح دارد.

و در مرفوعه ابومنصور طبرسی از ابی حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام در حدیث طویلی چنین
نقل شده است: «... و القرى الظاهرة: الرسل و النقلة عنّا إلى شيعتنا، و فقهاء شيعتنا إلى
شيعتنا، و قوله تعالى: ﴿وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ﴾ فالسير مثلٌ للعلم سير به ليالي و أياماً، مثلٌ
لما يسير من العلم في الليالي و الأيام عنّا إليهم في الحلال و المحرام و الفرائض و الأحكام،
آمنين فيها إذا أخذوا منه، آمنين من الشكّ و الضلال، و النقلة من المحرام إلى الحلال، لأنهم
أخذوا العلم ممن و جب لهم أخذهم إياه عنهم بالمعرفة. لأنهم أهل ميراث العلم من آدم إلى
حيث انتهوا، ذرية مصطفاة بعضها من بعض، فلم ينته الإصطفاء إليكم بل إلينا انتهى، و
نحن تلك الذرية المصطفاة، لا أنت و لا أشباهك. يا حسن [البصري]! فلو قلت لك حين
ادعيت ما ليس لك و ليس إليك: «يا جاهل أهل البصرة» لم أقل فيك إلا ما علمته منك و
ظهر لي عنك، و إيتاك أن تقول بالتفويض، فإن الله عزّ وجلّ لم يفوض الأمر إلى خلقه و هنأ
منه و ضعفاً، و لا أجبرهم على معاصيه ظلماً»^٤.

١. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ٤٨٣/٢، ح. ٢. ٢. الغیبة ٢٠٩.
٣. الفهرست ٤٢٢/٢، رقم ٧٠٨. ٤. الاحتجاج ٣٢٧/٢.

و سید شرف‌الدین علی حسینی استرآبادی با سند متصلش به عبدالله بن سنان نقل می‌کند از امام صادق علیه السلام که از پدرشان امام باقر علیه السلام پرسیده می‌شود: «فقال: جعلت فداك! فأخبرني عن القرى الظاهرة».

قال: هم شيعتنا - يعني العلماء منهم -^۱.

به دلیل شناسایی همین قرای ظاهرة که علمای عالی‌مقدار مذهب شیعه امامیه اثنی عشریه هستند، علم تراجم در مذهب به وجود آمد، اگرچه دانش تراجم و شرح حال‌نگاری به مذهب شیعه و مسلمین اختصاصی ندارد و عمر آن را به درازنای عمر بشر و تاریخ تمدن او باید دانست.

این علم متکفل بحث از شرح حال شخصیت‌های بارز علمی و عملی جهان است. کسانی که با اندیشه، فکر و اعمال و رفتار و آثار خودشان موجب تحولی در پیشرفت جامعه بشری شدند.

از دیرهنگام گروهی از علمای بزرگ مذهب شیعه امامیه به تألیف در این دانش پرداخته‌اند. از آن جمله می‌توان از این افراد نام برد:

- محدث بزرگوار شیخ حرّ عاملی صاحب کتاب «وسائل الشیعة» در کتاب «امل الآمل».

- حجة التاریخ میرزا عبدالله افندی اصفهانی صاحب کتاب شریف و عالیقدر «ریاض العلماء» و همچنین تعلیقه‌اش بر «امل الآمل».

- شیخ عبدالنبی قزوینی در «تمیم امل الآمل».

- سید محمدباقر موسوی خوانساری چهارسوقی صاحب کتاب «روضات الجنّات».

۱. تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة ۲/۴۷۲، ح ۲.

- سيّد محمد مهدي موسى شفتي نواده حجة الاسلام شفتي در كتاب «غرقاب» تراجم
أعلام القرن الحادي عشر و ما بعده.
- سيّد حسن صدر كاظميني در كتاب «تكملة امل الآمل».
- شيخ آغا بزرگ تهراني در موسوعه «طبقات أعلام الشيعة».
- شيخ علي كاشف الغطاء در كتاب كبيرش «الحصون المنيعه».
- فرزندش شيخ محمد حسين كاشف الغطاء در كتاب «العبارات العنبرية».
- سيّد محسن امين عاملي در موسوعه «أعيان الشيعة».
- ميرزا محمد علي مدرّس تبريزي در كتاب «ريحانة الأدب».
- سيّد محمد مهدي موسى كاظميني در كتاب «أحسن الوديعه في تراجم أشهر مشاهير
مجتهدى الشيعة».
- شيخ محمد بن طاهر سماوى در كتاب «الطليعة من شعراء الشيعة».
- سيّد عبد الحسين شرف الدين عاملي در كتاب «بغية الراغبين في سلسلة آل شرف الدين».
- شيخ جعفر ابن شيخ باقر آل محبوبه در «ماضى النجف و حاضرها».
- شيخ محمد حرز الدين در كتاب «معارف الرجال».
- محمد حسن خان اعتماد السلطنه در كتاب «المآثر و الآثار».
- شيخ عبد الكريم گزى اصفهاني در كتاب «تذكرة القبور».
- حاج ميرزا حسن خان جابري اصفهاني در دو كتاب «تاريخ اصفهان نصف جهان» و
«تاريخ اصفهان و رى».
- مير سيّد علي جناب در «رجال و مشاهير اصفهان».
- شيخ محمد علي حبيب آبادي اصفهاني در كتاب ارزشمندش «مكارم الآثار».

- استاد جلال‌الدین همایی شیرازی اصفهانی در «تاریخ اصفهان».
- سید مصلح‌الدین مهدوی اصفهانی در کتاب‌های متعددش مانند: «دانشمندان و بزرگان اصفهان»، «شعراء معاصر اصفهان»، «تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر»، «اصفهان یا دارالعلم شرق»، «تخت فولاد اصفهان»، «مزارات اصفهان» و «أعلام اصفهان».

- و بسیاری شخصیت‌های دیگر در کتاب‌های بسیار مفیدشان.
در حوزه مقدّسه قم از بدو تأسیس آن توسط مرحوم آیه‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی متوفی ۱۳۵۵ق کتاب‌هایی پیرامون این حوزه ارزشمند و رجال و دانشمندان و فارغ‌التحصیلان از آن یا در این حوزه مقدّسه در مورد شرح حال و احوالات علماء نشر یافت. از آن جمله می‌توان به کتاب‌های:

- آیینة دانشوران از مرحوم سید علیرضا ریحان یزدی.
- آثار الحجّة از مرحوم حاج شیخ محمدشریف رازی صاحب کتاب بزرگ «گنجینه دانشمندان».

- رجال قم و بحثی در تاریخ آن از آقای سید محمد مقدّس زاده نام برد.
در مورد شرح حال دانشمندان و بزرگان و أعلام معاصر نیز اخیراً در این حوزه مقدّسه کتاب‌هایی تدوین یا نشر شده است مانند:

- أحسن الأثر في تراجم أعلام القرن الخامس عشر از کتاب‌شناس بزرگ شیعه علامه محقق حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای حاج سید احمد حسینی اشکوری دام ظلّه که لایزال مخطوط است.

- تربت پاکان (در ۴ جلد) از تراجم‌نگار معاصر حجة الاسلام شیخ عبدالحسین جواهری

دامت برکاته.

و از جمله کسانی که به امر تدوین تراجم علماء و بزرگان معاصر شیعه اقدام بلیغی مبذول فرمودند می‌توان از جناب دانشمند عالیقدر و محقق گرانمایه و متتبع سخت‌کوش برادر عزیزم جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ ناصرالدین انصاری قسی دامت برکاته و دو کتاب مرجع و ماندنیش به نام‌های «اختران فقاہت» و «اختران فضیلت» نام برد. این دو کتاب خلائی را که در مورد معاصرین پیش آمده بود به خوبی پر می‌کند.^۱

۱. در اینجا به خاطر تبیین این خلأ ذکر خاطره‌ای از صاحب این قلم شایسته است: در روزگاری که به تدوین مشیخه کتاب دوازده جلدی خودم «موسوعة أحادیث أهل البيت (علیهم السلام)» اشتغال داشتم به نام مبارک مرحوم آیه‌الله میرزا رضی زنوزی تبریزی (رحمته الله) برخورد کردم به جهت اینکه وی شیخ مشایخ حقیر محسوب می‌شود، و شخصیتی است که بسیاری از علماء و مراجع گذشته از درس او بهره‌مند شده‌اند از آن جمله: مرحومین امام خمینی و شیخ استاد ما آیه‌الله میرزا جواد تبریزی (رحمته الله) و مرحوم امام به این استادش - به حسب نقل شیخ استاد ما از وی - می‌گفته است: «من شما را أعلم می‌دانم». چنین شخصیت علمی و روحانی تاریخ وفاتش در کتب تراجم ذکر نشده است، حتی همشهریش آیه‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (رحمته الله) نیز که مجاز از وی است در شرح حالش در کتاب «الإجازة الکبيرة» به دهه وفاتش اشاره می‌کند. حقیر با استمداد از ذات ربوبی و فحوص از دوستان تبریزی یکی از شاگردان وی را که در تبریز زنده بود یافتم و روز و ماه و سال وفات را از وی یادداشت کردم و ظاهراً اولین جایی که این تاریخ وفات عرضه می‌شود کتاب حقیر است. [موسوعة أحادیث أهل البيت (علیهم السلام) ۱۲/۴۲۵] و البته این فحوص نزدیک دو ماه به درازا کشید.

و لذا صاحب این قلم حتی در کتاب فقه استدلالی خود هرگاه به نام دیرآشنایی برخورد می‌کند شرح حال وی را در پاورقی به اختصار با ذکر مصادر یادآور می‌شود. رجوع کنید: «الآراء الفقهية، قسم البیع (۱)» ۴/۵۵۴. و همچنین در همین کتاب به مناسبت ارتحال شیخنا الاستاد آیه‌الله تبریزی شرح حالی مختصر از ایشان ارائه گردیده است. رجوع کنید: «الآراء الفقهية البیع (۱)» ۴/۳۴. همچنین در کتاب‌های دیگر خود مانند «سه سفرنامه» در صفحات ۳۴، ۷۲، ۹۱، ۱۰۰ و ۱۲۱ شرح حال پنج تن از اعلامی را ارائه داده است که برخی از آنها از دنیا رفته یا در قید حیاتند ولی تاکنون هیچ شرح حالی از ایشان منتشر نشده است. بلکه قسمت عمده‌ای از کتاب «طریق الوصول إلى أخبار آل الرسول (المشیخة - الإجازات)» در مورد شرح حال مشایخ اجازة حقیر است که بالغ بر چهل نفر می‌باشند.

این رو شایسته است مؤلف و مؤلف مورد تقدیر قرار گیرند. خصوصاً می‌دانیم که مؤلف گرانقدر ما سالیان درازی را به آموختن علوم حوزوی اشتغال داشته و در کارنامه علمی خود عقود از عمرش را در حضور دروس عالیّه خارج فقه و اصول در نزد مراجع طایفه اُدام الله ظلّهم گذرانده است.

و البته باید یادآور شوم که «هذا السبل من ذاك الأسد»، از پدری عاشق و دلسوخته امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و فرزندان معصومش علیهم السلام چون مرحوم حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ محمدعلی انصاری قمی رحمته الله ناظم نهج البلاغه و صاحب ردیه‌ها و نقدهای متعدد بر افکار انحرافی از مذهب اهل بیت علیهم السلام که به چیزی جز درد دین داشتن آن مرد بزرگ دلالت نمی‌کند، چنین فرزندى پرتلاش و باکمال نیز شایسته و بایسته می‌باشد.

در پایان ضمن سپاس از خدای منان به جهت موفق شدن به نگارش این چند سطر که به امر اکید مؤلف ارجمند انجام گردید برای پدر عالی‌مقدارش طلب علو مقامات عالیّه و برای خلف صالحش توفیق و تسدید را از ذات باری مسألت می‌نمایم.

الحمد لله أولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً.

عید الله الأكبر، عید آل محمد علیهم السلام
عید غدیر خم ۱۴۳۲ق
اصفهان - هادی النجفی